

The Analysis of the Exposition of Theoretical Teachings and Stages of Spiritual Conduct in Spiritual Tradition of Kale Chakra

Saeed Geravand

Associate Professor, Department of Religions and Mysticism, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran (Corresponding Author):

Geravand_s@yahoo.com

Leila Mafakheri

Master of Religions and Mysticism, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran. Leilamafakheri1402@gmail.com

Nasim Farhang

PhD Student in Sufism and Islamic Mysticism, Semnan University, Semnan, Iran.

Nasim.farhang@semnan.ac.ir

Abstract:

Kale Chakra Yana is one of the mysterious and prophetic rituals in the history of Buddhist Tantrism thought. This ritual combines several types of literature, and different parts of this work show various characteristics of tantric yoga literature, mystical literature, and literature based on prophecy and medical works. The eschatological prophecies in the Kalachakra Tantra are a justification for performing tantric practices that challenge specific and predetermined standards of social behavior. As one of the branches of Buddhist Tantrism, the spiritual tradition of Kala Chakra is a system of astrology whose elements have reached a religious level. In this tradition, man can be interpreted like the universe. Human physical and mental actions are equivalent to cosmic processes. Knowledge and awareness of the inner links between the great and the small world leads the seeker to salvation and enlightenment. Yogic practices in the Kalachakra tradition are considered a form of esoteric sacrifice, in which the life-giving fluid is an esoteric offering to the gods residing in the human body. On the other hand, according to historical and mythological events, Kale Chakra predicts the conflict between the forces of good and evil, which will lead to the final victory of the forces of good and the reestablishment of the Golden Age.

Keywords: Kale Chakra, Spiritual Tradition, Conduct, Divination, Tantric Practices.

تحلیل تبیین آموزه‌های نظری و مراحل سلوک در سنت معنوی کاله چکره^۱

نسیم فرهنگ^۲

لیلا مفاخری^۳

سعید گراوند^۴

چکیده

کاله چکره صورتی از آیین‌های رازآمیز و پیش‌گویانه در تاریخ تفکر تتریسم بودایی است. این سنت معنوی یک تفکر بدیع در آموزه‌های کیهان‌شناختی و بینش پیش‌گویانه آیین بودا است. در سنت معنوی کاله چکره پیشگویی قابل توجه است. پرسش اصلی این مقاله آن است که آموزه‌های نظری و روش سلوکی سنت معنوی کاله چکره را در چه عناصر و مراحل می‌توان جست‌وجو کرد؟ پیشگویی‌های آخرت‌شناختی در کاله چکره، توجیهی برای انجام اعمال تتریک است که معیارهای مشخص و از پیش تعیین شده سلوک اجتماعی را به چالش می‌کشد. سنت معنوی کاله چکره به عنوان یکی از انشعابات تتریسم بودایی نظامی از تجیم و ستاره‌بینی است. در این سنت معنوی انسان همانند کیهان قابل تفسیر است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اعمال یوگایی در سنت کاله چکره شکلی از قربانی باطنی تفسیر می‌گردد. از سوی دیگر کاله چکره، منازعه بین نیروهای خیر و شر را پیش‌گویی می‌کند که به پیروزی نهایی نیروهای خیر و استقرار عصر طلایی منجر می‌شود.

کلید واژه: کاله چکره، سلوک، طریقت معنوی، پیشگویی، اعمال تتریک

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران (نویسنده مسئول):

Geravand_s@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

Leilamafakheri1402@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. Nasim.farhang@semnan.ac.ir

بیان مسئله

سنت معنوی کاله چکره (چرخ زمان)، آخرین مکتب عرفانی و رازآمیز آیین بودای تন্ত্রیک است که در هند ظاهر شد (نک: گراوند، مفاخری، ۱۳۹۳). کاله چکره یانه اگرچه تمامی تحولات بودیسم هندی را پذیرفته و شیوه و سنن بودایی خاص خود را حفظ نموده، اما این طریقه معنوی یک نوآوری هم در آموزه‌های کیهان‌شناختی و هم در ینش اسطوره‌ای آیین بوداست. به طور کلی تন্ত্রیسم بودایی عناصری از سنت‌های دینی غیربودایی را در یک بافت و سیاق بودایی گرد هم آورده است. اما در سنت معنوی کاله چکره این تلفیق عقاید به صورت برجسته و بارزی نمایان می‌شود. درواقع این سنت معنوی عملاً وام‌داری‌اش از سنت‌های جین، شیوایی و ویشنویی را انکار نمی‌کند. به گونه‌ای که این طریقه عقیده کهن و باستانی هندو، مبنی بر هماهنگی میان جهان کبیر و صغیر را اساس نجات‌شناسی خود قرار می‌دهد. و بر همین اساس یک شیوه‌ی یوگای تন্ত্রیک برای نجات از رنج سمساره و نیل به روشن‌شدگی ایجاد نموده است. از سوی دیگر کاله‌چکره با توجه به رویدادهای تاریخی و اسطوره‌ای آیین هندو، یک نزاع و درگیری بین نیروهای خیر و شر را پیش‌گویی می‌کند که به پیروزی نیروهای خیر و استقرار دوباره‌ی عصر طلایی منجر می‌شود (Newman, 1998, 313), (Newman, 2003, 409).

تمثال‌شناسی کاله چکره

در تمثال‌شناسی بودایی، کاله چکره به صورت ایستاده بر یک نیلوفر مجسم می‌شود که بر یک قرص خورشید و ماه ایستاده در حالی که زانوی راستش به جلو افتاده و پای چپش را جمع کرده (حالتی که آلیده^۱ خوانده می‌شود) که با دو پایش کامه دوه^۲ و رودره^۳ را شکست می‌دهد، او بدنی به رنگ آبی تیره دارد، که نماد روز و شب است. سه دهان دارد، که هر یک از آن‌ها چهار نشان منطقه البروج را نشان می‌دهد، چهار صورت دارد که هر یک از آنها سه نشان منطقه البروج را نشان می‌دهد، در تمثال‌شناسی بودایی چهار شانه، نشانه ۱۲ ماه سال است، ۲۴ بازو که سلاح‌های مختلف را نگه داشته است و ۳۶۰ مفصل دست‌ها، ۳۶۰ روز سال را نماد پردازی می‌کند، و به

^۱ ālīdha

^۲ Kāmadeva که به معنای خدای عشق، میل و شهوت در اساطیر هندو است.

^۳ Rudra خدای طوفان، شکار و ویرانی است.

وسیله‌ی ویشوه ماتا^۱ به رنگ زرد و ۱۲ چشم، که پای چپش را جلو انداخته و پای راستش را جمع کرد (حالتی به نام پراتیه آلیده^۲ نامیده می‌شود) در آغوش کشیده شده است (Wallace, 2001, 8/5058).

در تصاویر خدای کاله چکره دیده می‌شود که او در حالت رقص بر اجساد رودره و آنگه^۳ است که رنگی تیره دارد و لباسی از پوست ببر پوشیده، چهار صورت، ۱۲ چشم و ۱۲ دست اصلی در هر طرف دارد، دست‌های فرعی‌اش نمادین و تعدادشان ۲۴۰۰۰ می‌باشد. در چهار دست آبی طرف راستش، او وجره، شمشیر و کَرتری^۴ را نگه داشته است و در چهار دست قرمز، آتش، تیر و خدنگ، در چهار دست سفید، دیسک، چاقو، تبر و چوب دستی، در چهار دست آبی سمت چپ، یک زنگوله با علامت وجره، یک ظرف، و جامی پر از خون را دارد، در چهار دست قرمز، کمان، حلقه‌ی طناب، جواهرات و نیلوفر دیده می‌شوند و با دستان سفیدش؛ یک آینه، وجره، زنجیر، و پیشانی بند برهما را گرفته است (Bhattacharyya, 2005, 23).

ویشوه ماتا، زوجه خدای کاله چکره، چهار صورت مختلف دارد: سفید، قرمز، زرد و آبی، که هر کدام سه چشم دارند. او در اتحاد معنوی با کاله چکره، به تثلیثی از سه خدا تبدیل می‌شود. کاله چکره با آکشوبیا و ویشوه ماتا به اتحاد می‌رسند و نمادهایی همچون وجره ستوه و پراجنا پارامیتا نیز در این فرآیند دخیل هستند. این نمادها نمایانگر مفاهیم عمیق معنوی و رمزی هستند که شکتی و سیده‌ی را از طریق لطف الهی قابل دسترسی می‌سازند (Singh, 2010, 10).

تاریخ کاله چکره

در این سنت معنوی، تاریخ و اسطوره به هم آمیخته‌اند، به‌طوری‌که تمایز میان آن‌ها دشوار است. تطابق میان دهرمه تاریخی و معنوی ویژگی‌ای است که این سنت را از سایر سیستم‌های تئریسم

^۱ Viśvamātā به معنای «مادر جهانی» یا «مادر تمام جهان» است و نماد نیروی خلاق، پرورش دهنده و محافظ کیهان است.

^۲ pratyālidha

^۳ Ananga یکی از لقب‌های کامه دوه خدای عشق در اساطیر هندی است. آنگه در سانسکریت به معنی «بی بدن» یا «بی شکل» است.

^۴ Kartari به معنی قیچی یا خنجر دو لبه است که در نمادنگاری‌ها به عنوان سلاحی برای بریدن وابستگی‌های دنیوی دیده می‌شود.

بودایی متمایز می‌کند. به عقیده‌ی نیومن (Newman, 1985, 95) با اطمینان می‌توان گفت که سنت کاله چکره برای اولین بار و به صورت گسترده در هند، در آغاز قرن یازدهم میلادی ظهور یافت. این ادعا با توجه به دو استدلال قابل اثبات است: اول این که متون اصلی این مکتب (شری-کاله چکره و تفسیر آن ویمله پربها)^۱ به دوره‌ای از تاریخ اشاره می‌کند که این امکان را برای محققان فراهم می‌کند که زمان تألیف این متون را بین سال‌های ۱۰۲۵ و ۱۰۴۰ میلادی تخمین بزنند. اگرچه تاریخ‌های مذکور در این متون به طور دقیق به سال تألیف این متون اشاره ندارد، اما محاسبات نجومی کاله چکره و بخش بزرگی از مدارک و اسناد درونی این آثار تصدیق می‌کنند که این متون در همین دوره زمانی تألیف شده‌اند. برای مثال این دو منبع به پایان دوره‌ی ۶۰ ساله‌ای که ۴۰۳ سال پس از مبدأ تاریخ هجری (۶۲۳ میلادی) به عنوان قدیمی‌ترین دورانی که در آن کاله چکره تتره در هند انتشار یافته اشاره می‌کنند. بنابراین در سال ۱۰۲۶ میلادی که آخرین سال حکمرانی پادشاه، ماهیپالا^۲ بنگال، حامی بزرگ آیین بودا در هند، به عنوان سال تألیف کاله چکره تتره ثبت شده است. دوم اینکه تاریخ زندگی و جرحه چاربه‌هایی که مروجان اصلی این سنت تلقی می‌شوند، مربوط به همین دوران آغاز قرن یازدهم است (Wallace, 2001, 8/5057) (Sopa, 1991, 65 تا 315-316 Newman, 1998). سنت معنوی کاله چکره در هند تاریخ مبهمی دارد و تا قرن شانزدهم در هند رواج داشت. این آیین از شمال هند به نپال، تبت، چین و مغولستان گسترش یافت و در دهه‌های آخر قرن بیستم توسط دالایی لاما در آسیا و ایالات متحده معرفی و منتشر شد (Newman, 2003, 410).

سنت معنوی کاله چکره از قرن یازدهم تا چهاردهم میلادی از طریق سلسله طریقت مرشدان و مریدان از هند به تبت انتقال یافت. مهم‌ترین سنت‌های ناقل این طریقه سنت‌های روا^۳ و برو^۴ بودند. به نقل از بوستون، مترجم سلسله روا به نپال^۵ سفر کرد و نزد مشایخ سنت معنوی کاله چکره تمامی تعالیم آن را آموخت، آنگاه به همراه یکی استادانش به تبت بازگشت و به ترجمه‌ی آثار مختلف و

^۱ Vimalaprabhā عمدتاً به مفاهیم دانش خالص، روشنگری و درخشش معنوی مرتبط است.

^۲ mahipāla

^۳ Rwa

^۴ Bro

^۵ کشوری در جنوب آسیا است که در بین چین و هند قرار دارد.

ترویج تعالیم کاله چکره ادامه دادند. سنت برو نیز همراه با سوماناتهای^۱ کشمیری به تبت انتقال یافت. او به همراه شین رابگرگس^۲ تفسیر کاله چکره تنتره، ویمله پرابها را به تبتی ترجمه نمودند و این سلسله و نظام طریقتی را تأسیس نمودند (Sopa, 1991, 76). گفته می‌شود تا قرن چهاردهم شری کاله چکره تنتره ۱۵ یا ۱۶ بار و تفسیرش بیش از ۱۰ بار به زبان تبتی ترجمه شد. این دو سنت در کنار هم جریان داشتند تا زمان حمله چین به تبت، شمار اندکی از پیروان این طریقه به هند مهاجرت کردند.

بنا به روایات اسطوره‌ای بودا، شاکيامونی یک سال پس از رسیدن به نیروانه در راجه‌گره^۳ را موعظه کرد و همزمان در معبد «پراجناپارامیتا» دهانیاکاتا^۴ در نزدیکی آمرواتی^۵ در آندراپرادش^۶ در جنوب هند، کاله چکره تنتره را تعلیم داد. این تنتره به درخواست پادشاه سوچاندرا از شمبهله^۷ که تجلی و جره‌پانی بود، تدریس شد و توسط جانشینان او در قلمرو پادشاهی‌اش انتشار یافت. نسخه‌ای خلاصه از این تنتره توسط منجوشری یاشاس^۸ تهیه و در اختیار مردم قرار گرفت (Gyatso, 1994, 59-60) (Hammar, 2005, 17&87). در تفکر بودایی، شریعت بودایی امری غیره منتظره نیست. چرا که شماری از متون نابودی دهرمه و حیات بشری را در پایان عصر کنونی (کالی یوگه) پیش‌گویی می‌کنند، و از ظهور باشکوه میتریه بودا در آینده دور خبر می‌دهند. اما سنت کاله چکره دیدگاه متفاوتی درباره‌ی نابودی و زوال مداوم جهان به همراه نابودی اشکال فرهمند و با فضیلت دین ارائه می‌دهد. از نظر این سنت معنوی، نابودی و زوال عالم با افزایش نیروهای اهریمنی و شرارت آمیز، در شکل بیگانگانی که با دیوان و شیاطین متحد شده‌اند، رخ می‌دهد. کاله چکره‌یانه بر خلاف سایر مکاتب بودایی معتقد به نابودی کامل آیین بودا نیست، به

^۱ Somanātha یکی از مشهورترین معابد هندو در هند است که به خدای ماه، سومنا یا شیوه تقدیم شده است.

^۲ Shen rabgrags

^۳ Rājagrha

^۴ Dhānyakataka

^۵ Amarāvati

^۶ Andhrapradesh

^۷ شمبهله (Shambhala) سرزمینی اسطوره‌ای است که در متون پورانه‌ای مورد اشاره قرار گرفته است. این سرزمین

محل تولد کالکی آخرین تجسد ویشنو است.

^۸ ManjushriYashas

عقیده‌ی این طریقه و سنت معنوی، بودا دهرمه^۱ در سرزمین عرفانی شمبهله دور از دسترس بیگانگان و نامحرمان به این آموزه حفظ می‌شود. در پایان عصر کنونی نبرد گسترده‌ای میان سپاه شمبهله و نیروهای اهریمنی به وقوع می‌پیوندد (Sopa, 1991, 78).

بنا به پیش‌گویی کاله چکره در پایان عصر فساد و تباهی کنونی (کالی یوگا)، بیگانگان^۲ بر جنوب آسیا تسلط پیدا می‌کنند. همه ادیان راستین در حکومت و قلمرو بیگانگان رو به زوال و نابودی خواهد رفت و تنها دهرمه و شریعت بیگانگان رواج می‌یابد. در این زمان است که پادشاه مسیحایی بودایی به نام رودراچکری، بمنزله تجلی دوباره منجوشری یاشاس (اولین کالکی شمبهله) در سرزمین شمبهله ظاهر می‌شود. این بودی ستوه سپاه شمبهله را در یک جنگ مذهبی در برابر سپاه بیگانگان رهبری می‌کند. در بغداد این جنگ با رویارویی سپاهیان شمبهله و خدایان برهمنی در یک سو و بیگانگان و شیاطین در سوی دیگر به اوج خود می‌رسد. در این پیکار است که فرمانده بیگانگان کشته خواهد شد و سپاهیان او به کلی نابود خواهند شد. رودراچکری دوباره دهرمه و شریعت بودایی را برقرار خواهد ساخت و یک عصر طلایی جدید، پر از عدالت، رفاه و شادی و راستی حکمفرما می‌شود (Newman, 1998, 328-329). همانطور که پیش‌تر اشاره شد سنت کاله چکره در دهه‌های آغازین قرن یازدهم ظاهر شد. یعنی همان زمانی که سلطان محمود غزنوی با نام اسلام شمال غربی هند را غارت و نابود نمود. از این رو در واکنش به غارت‌ها و حملات مهاجمان مسلمان، کاله چکره اسطوره‌ی کالکی هندو را در بافت و سیاق بودایی بازگو می‌کند (Newman, 2003, 409). به اعتقاد محققان با معرفی و رواج پرستش خدای کاله چکره تلاش شده تا جوامع هندوان و بودائیان تحت لوای پرچم واحدی درآیند و علیه نفوذ فرهنگی بیگانگان و اسلام، برای حفظ و پاسداری آیین‌های باستانی خود متحد شوند (Benoytosh, 1985, 187).

^۱ (Buddhadharma) آموزه‌ها و راه و رسم‌های به ارث رسیده از بودا که راه رسیدن به روشنایی و درک حقیقت را توضیح می‌دهند.

^۲ ادبیات کاله چکره همواره به مسلمانان به عنوان مَلْچَه‌ها (Mlecchas) به معنای بیگانه و وحشی اشاره می‌کند و اسلام را Mleccha یا دین بیگانگان می‌نامد. متون کاله چکره این واژه را ظاهراً تنها برای مسلمانان به کار می‌برند. (Newman, 1998, 316-317)

این تنها معنای ظاهری اسطوره است. در سنت معنوی کاله چکره جنگ علیه بیگانگان استعاره‌ای برای تحول و دگرگونی شخصیت آدمی است، که تحول معرفت شناختی آن هدف اصلی این سنت معنوی است. در تفسیر باطنی این اسطوره فرمانده بیگانه نماد راه بی‌تقوایی و ناپاکی و فساد است. سپاه بیگانه نشانگر فسق و فجور، کینه توزی، بدخواهی، حسادت، تعلق و وابستگی است. کالکی بودایی، معرفت سعادت و خلاء است و سپاه بودایی مظهر عشق و شفقت و همدردی و آرامش است. بنابراین اسطوره‌ی قیامت ظاهری تمثیل نزاع باطنی و جنگ درونی سلوک معنوی است. جهاد درونی بودایی زمانی رخ می‌دهد که معرفت فعلیت یافته از طریق یوگای کاله چکره جهل و نادانی را نابود می‌کند و عصر طلایی روشن‌شدگی را به وجود می‌آورد. در جهان کبیر نابودی بیگانگان نشانگر یک وحی آخرالزمانی از آینده‌ی جهان است و در جهان صغیر، ریشه کن نمودن نادانی - جهل و فساد - یک عصر جدید روشن‌شدگی و اشراق را آغاز می‌کند. بنابراین در تفسیر باطنی سنت معنوی کاله چکره تتره اسطوره‌ی شکست شر، هم پایان پیشگویی جهان و هم سرنوشت نهایی یک انسان را نشان می‌دهد (Newman, 1998, 328-330).

مضامین کاله چکره تتره

یکی از متون برجسته تتریسم بودایی متنی است با عنوان کاله چکره تتره که معرف آیین کاله چکره است. تصور می‌شود این متن توسط سوچاندرا پادشاه شمبهله در طول حیات خود شاکيامونی بودا یا حداقل کمی بعد از آن نوشته شده است. بنا به روایت خود کاله چکره تتره، این متن ۱۴۰۰ سال در سرزمین شمبهله محفوظ مانده تا اینکه زمان مناسبی (احتمالاً قرن دهم) برای ارائه و رواج آن در هند فراهم شد. این تتره اثری موزون است و به صورت مختلف به نام‌های شری - کاله - چکره - تتره راجه^۱ و شری مها کاله چکره^۲، خوانده می‌شود و در ویراست تیرجی^۳ در سال ۱۹۸۵، شامل پنج فصل با عناوین لوکه داتو - پاتالا^۴، آدیاتمه - پاتالا^۵، ابهیشیکه پاتالا^۶، سادانا - پاتالا^۷ و

¹ Sri-kalacakra-tantra-rajā

² Sri Mahakala-cakra

³ Banerjee

⁴ Lokadhatu-patala

⁵ Adhyatma-patala

⁶ Abhiseka-patala

⁷ Sadhana-patala

جندنا-پاتالا^۱ می‌باشد و کلاً ۱۰۴۷ قطعه است. بنا به روایات سنتی این متن توسط سوچاندرا پادشاه شنبه‌ه گردآوری شده است. مندرجات فصول کاله چکره تنتره مختصراً به صورت زیر است (Kitagama, 2002, 59):

فصل اول؛ رفتن سوچاندرا نزد پروردگار بودا برای دریافت یوگای کاله چکره، موعظه‌های بودا، توصیف جهان، فعالیت‌های مختلف ایزد کاله چکره از جمله نابودی ادیان باطل و تأسیس و تثبیت آیین بودا. فصل دوم؛ حضور کاله چکره در آیین‌های مربوط به باروری و مسائل جنسیتی به صورت ده تجسد که با تجسد به صورت ماهی آغاز می‌شوند، ماهیت چهار کایه و چهار وجره، نادیه‌ها، سکنده‌ها و داتوها و نیز چگونگی تطهیر آن‌ها، و به طور خلاصه حضور کاله چکره در ادیانی که برای همگان پذیرفتنی است. فصل سوم؛ مباحث مربوط به گورو و سالک، روستا و قبیله، جهت‌های جغرافیایی، قربانی، مراقبه و غیره. فصل چهارم؛ بحث از هستی شونیتا، سه پناه، ریاضت و تحقیر نفس، نیل به بودی‌چیتة، متوسل شدن به راه شریف، مندله، یوگای بیندو و غیره. فصل پنجم؛ حضور و نقش خدای کاله چکره در تطهیر داتوها مانند استخوان‌های بدن، گروه‌های منتره‌ها، چهار ابهی شیکه، نیل به معرفت مهمودرا، بودی‌چیتة، اعمال جسم و ذهن و کلام، توصیف مکان‌هایی که بودا در آن ظاهر می‌شود (Banerji, 2007, 239-240). باید متذکر شد به دلیل بی‌نظمی‌ها و اغلاط املائی موجود در این متن پیداست که این متن توسط کسی یا کسانی نوشته شده که بیشتر نگران رواج این عقاید در میان عامه بوده‌اند تا ارائه‌ی اثری عالمانه و فاضلانه. از سوی دیگر از اشارات این متن به مکّه و اسلام روشن می‌شود که این متن اثری است مربوط به دوران متأخر نه خیلی باستانی، آنگونه که در روایات سنتی ادعا شده است (Banerji, 2007, 239-240).

همانطور که بررسی‌ها نشان می‌دهد متون وجره یانه‌ی بودایی حداقل به سه زبان، سانسکریت، آبه برمشه^۲، و گویش غربی هند که معمولاً به عنوان بنگالی قدیم مورد اشاره قرار می‌گیرد، تألیف شده‌اند. محققان درباره‌ی زبان سانسکریت ادبیات وجره یانه‌ی اختلاف نظر فراوان دارند. برخی سانسکریت این متون را مانند مضامین و محتویاتش غیر مصطلح و بیگانه می‌دانند و برخی دیگر آن

^۱ Jndna-patala

^۲ (apabhrmsha) به زبان‌هایی گفته می‌شود که تغییرات زیادی در مقایسه با زبان‌های رسمی تر مانند سانسکریت پیدا کرده‌اند.

را به شکل دیگر از سانسکریت معرفی می‌کنند. این اختلاف نظرها درباره‌ی ادبیات کاله چکره نیز صدق می‌کند (Newman, 1988, 123-132).

در واقع جان نیومن، بخشی از ویمله پرابها (شرح و تفسیر شری کاله چکره تتره) را به زبان سانسکریت شرح و ترجمه کرده است. بنابراین طبق تقریر جان نیومن، این بخش، در واقع شرح و تفسیر اولیه‌ای از متون کاله چکره و ویمله پرابها را با یک تقریرات تازه‌تری تبیین می‌کند. بنا به این بخش و بخش‌های دیگر، این غلط‌های دستوری و املائی که در متن وجود دارند باید بنا به آموزش گوروی تتره‌ای درک شوند. در واقع می‌توان گفت در این متون، تکیه بر معناست نه الفاظ و قواعد دستوری و نوشتاری. بنابراین بوداها و بودی ستوه‌ها، دهرمه را با تکیه بر معنای آن و با زبان‌های بومی و مختلف برای رستگاری تعلیم می‌دهند. نیومن به نقل از بودا در پرامه آدی بودا می‌نویسد: «یک یوگی باید غیرتمندانه از طریق کلمات دهرمه را فرا چنگ آورد، چه کلمات براساس قاعده‌ی زبانی باشند و چه نباشند. زمانی که شخص معنا را از واژگان محلی درک می‌کند لزومی به استفاده از اصلاحات فنی نیست» (Ibid).

این متن دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر آثار سنت بودایی متمایز می‌کند، آن شامل یک پیام سیاسی آشکار برای اتحاد و همبستگی در مقابل پیشرفت دین اسلام در هند است، تعلیم و نمادپردازی‌های نجومی و مفهوم آدی بودا یا بودای آغازین از دیگر ویژگی‌های متمایز کاله چکره تتره است. این متن به یک جهان آرمانی پر از صلح نظر دارد و معتقد به برخاستن یک منجی بودایی برای رستگاری کل بشر از سرزمین اسرار آمیز شمبهله است (Kitagama, 2002, 83).

کاله‌چکره تتره بنا به سنت تبتی شامل سه بخش اصلی است: درونی، بیرونی و دیگر. کاله چکره‌ی درونی (فصل اول؛ کیهان) مربوط به کیهان‌شناسی، ستاره‌بینی و نجوم و گاه‌شناسی، تاریخ و آخرت‌شناسی است. در این بخش به تفصیل و به صورت جزئی، ماهیت زمان و جزئیات کیهان، همراه با سرچشمه و ترتیب و شکل‌گیری، سنجش‌ها، فسخ و انحلال کیهان و اجزاء اصلی آن شرح داده شده است. آن کیهان را به عنوان یک مندله‌ی چهار ردیفی و به عنوان جسم کیهانی بودا تفسیر می‌کند. بخش دوم یا کاله چکره‌ی بیرونی (فصل دوم؛ فرد)، درباره‌ی رویان‌شناسی بشری، فیزیولوژی و گیاه‌شناسی دارویی، طب آیینی و یوگایی، طب نجومی، و کیمیا بحث می‌کند. آن درباره‌ی شکل‌گیری، عملکردها و تجزیه‌ی جسم، کلام و ذهن بشری بحث می‌کند، این بخش از

کاله چکره تنتره، فرد را به عنوان جهان صغیر نمایانگر مندله کیهانی، به عنوان چرخ زمان و به عنوان منزلگاه چهار جسم بودا -یعنی جسم سهجه، دهرمه، سمبهوگه و نیرمانه- تفسیر می کند. بخش سوم یا کاله چکره ی دیگر، (فصول سه تا پنج، تشرّف، سادنا و معرفت) مربوط به عمل کاله چکره است که عموماً به سه مرحله ی اصلی تشرّف، مرحله ی تکوین و مرحله ی تکمیل مربوط است. به عبارت دیگر چرخه های ظاهری و باطنی مربوط به زمان متعارف اند، این درحالی است که چرخه ی دیگر، مظهر نیل به کمال و رستگاری از طریق چرخه های ظاهری و باطنی است (Wallace, 2001, 8/5057).

کاله چکره ی بیرونی مربوط به زمان تاریخی، سال و ۳۶۰ روز تقویم سالانه است. که در آن موضوعات مختلفی از قبیل ستاره بینی، رمل و اسطرلاب، جغرافیا و تاریخ و مباحث مربوط به فرجام شناختی مطرح می شود. گفته می شود که این چکره مربوط به محیط کنونی و جهانی است که انسان ها در آن زندگی می کنند. درواقع، کاله چکره ی ظاهری آن چیزی است که به آسانی توسط موجودات درک می شو (lamrimpa, 1999, 27), (sopa, 1991, 31). کاله چکره ی درونی، آن چیزی است که توسط آگاهی درک می شود. در این زمینه، کاله اشاره به دوازده مجرای فرعی در شش چکره و انرژی های حیاتی یا جریان دم و بازدم است که از طریق آن ها جریان می یابد. شش شهیق و زفیر که به طور متناوب در سمت چپ و راست بدن جریان دارند. در هر روز دوازده مبدله انرژی وجود دارد. برای هر تبدیل انرژی ۱۸۰۰ تنفس و در یک دوره ۲۴ ساعته ۲۱۶۰۰ تنفس وجود دارد. اصطلاح چرخ یا چکره در کاله چکره ی درونی، اشاره به ۱۲ تبدیل انرژی و ۲۱۶۰۰ دم و بازدم در هر روز است (lamrimpa, 1999, 27). کاله چکره ی درونی اشاره دارد به چرخه ی دم و بازدم که انسان ها در طول روز می کشند. این چکره مشتمل است بر توده ها، عناصر، حالات و رفتارها و تمایلات و انگیزه های مختلف و نیز چکره ها، مجاری، باده ها، ذرات و ذهن آدمی (Powers, 2012, 226). در سنت کاله چکره، کاله چکره ی بیرونی و درونی زمینه ای هستند که آدمی باید از طریق عمل معنوی تطهیر و پالوده شود. این در حالی است که کاله چکره دیگر، همان چکره ای است که کاله چکره های بیرونی و درونی را در متعالی ترین مراتب تکوین و تکمیل تهذیب می کند (Sopa, 1991, 31).

سنت معنوی کاله چکره

طریقه معنوی کاله چکره شاید معتبرترین طریق تتره‌ای در سنت بودیسم باشد که علاوه بر تعالیم یوگایی، حقایق رازآمیز و باطنی عالم و مباحث فرجام‌شناسی را نیز از قبیل معاد و آخرت در برمی‌گیرد. مورخان تبتی براساس گزارش‌های مختلف بر این باورند که طریق کاله چکره توسط خود بودا در همان سال به اشراق رسیدن او، و یا چیزی حدود هجده سال پس از آن تعلیم داده شد. برخی هم رواج دوباره این تتره را در تبت به آتیشه نسبت می‌دهند، ادعایی که اثبات آن با دشواری‌های بسیار مواجه است (Bowker, 1997, 524).

وادل در کتاب لامائیسیم خود، آیین و یوگای کاله چکره را بدین صورت توصیف می‌کند: «در قرن دهم میلادی شیوه‌ای تتره‌ای در شمال هند، کشمیر و نپال، در آموزه‌ای مهیب و شرم‌آور تحت عنوان دیوگرایی^۱ رواج یافت. این شیوه‌ی تتریک با بوداهای اهریمنی و دیوسان خود با اعمال منتره‌یانه در هم آمیخت و خود را وجره‌یانه یا چرخه‌ی آذرخش نامید و پیروانش را وجره‌چاریه^۲ یا پیروان آذرخش خواند. این تعلیم (کاله چکره) درواقع حد‌نهایی سیروسلوک تتره‌ای است و شایسته‌ی آن نیست که به عنوان یک مکتب دینی-فلسفی مورد اشاره قرار گیرد، اما می‌توان آن را یک طریق باطنی نامید. از این رو این سنت معنوی صرفاً توسعه‌ای نسنجیده و ناپخته از نظریه تتریک آدی بودا است که با عرفان کودکانه و بی‌معنای منتره‌یانه در هم آمیخته و تلاش می‌کند تا خلقت و نیروهای اسرارآمیز طبیعت را به واسطه‌ی اتحاد و آمیزش کالی ترسناک با دیانی بوداها و خود بودا شرح و تفسیر کند. در این شیوه آدی بودا به وسیله مراقبه نیرویی خلاق و آفرینشگر به وجود می‌آورد که به وسیله آن سمبهاره^۳ و دیگر داکینی‌های ترسناک- که همگی از جنس کالی هستند- همسرانی ترسناک به دست می‌آورند. با این حال این ایزدبانوان، همسران تجلیات آدی بودا و دیانی بوداها تلقی می‌شوند. و این بوداهای اهریمنی به نام‌هایی چون کاله چکره، هروکا، آکاله^۴ و وجره بهیروا^۵ و غیره خوانده می‌شوند (Waddell, 1895, 15&131). این

^۱ poly-demonist

^۲ Vajracārya

^۳ (Sambharā) به معنای تمرکز یا به‌دست آوردن حالت خاصی از ذهن یا انرژی‌ها است که در تمرینات یوگا یا مراقبه به‌طور خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد.

^۴ (Acala) به معنای یک وضعیت درونی از آرامش و ثبات است که فرد در تمرینات مراقبه به آن دست می‌یابد.

^۵ (Vajrabhairava) به معنای خدای ترسناک و قدرتمند است.

بوداهای دیوآسا به اندازه‌ی بوداهای آسمانی قدرتمند هستند و علاوه بر این درنده‌خو و خون‌آشام هستند، تنها به واسطه‌ی پرستش و اهدای قربانی‌ها و پیشکش‌ها آرام می‌گیرند.

اما محققان از جمله بهاتاچاریه این تقریرات وادل را خام و ساده و ناشی از درک نادرست از این سنت معنوی می‌داند. کاله چکره یک خداست و تجسم شونیتا که ایزد بانو پراجنا را در آغوش کشیده و بیانگر مفهوم فلسفی عدم‌ثنویت و وحدت است. او آدی بودا یعنی نیای همه بوداها و دیانی بوداهاست. تعلیم این سنت معنوی مشابه تعلیم ناتیسم و سهجه یانه است (lokeswarananda, 1989, 99-1). در جای دیگری به نقل از بهاتاچاریه آمده است: «در بین راه‌های نیل به رستگاری و اشراق در تتریسیم بودایی، طریقه‌ی کاله چکره هم از حیث اعمال و هم از حیث تعلیم متعالی‌ترین طریقه نسبت به دیگر طریقت‌های بودایی است» (Singh, 2010, 88).

سینگ نیز اظهار می‌دارد، بودای دیوسان آن گونه که وادل بیان داشته وحشتناک و مخوف نیست، بلکه بودا ذاتاً تجسم کرونا (شفقت) و شونیتا است. کاله چکره یک سنت معنوی و باطنی تتریسیم بودایی است. معمولاً کسانی که درک عمیقی از تتریسیم ندارند، با عمل تتره‌ای خدا-یوگا یا یوگای خدایی^۱ دستخوش خطا می‌شوند. این خدایان مانند ادیان توحیدی، خدای شخصی نیستند بلکه آن‌ها اشکال معنوی هستند که بوداها در آن اشکال برای کمک به مردم و رفع نقص‌ها و ناپاکی‌هایشان متجلی می‌شوند. این اشکال و صور عرفانی بودا، نشان دهنده‌ی حالت اشراق معنویت و نماد شفقت و خرد هستند. آوالوکی‌تسوارا نماد شفقت و منجوشری نماد خرد است. کاله چکره مظهر توانایی‌های باطنی و عرفانی برای رویارویی با هر موقعیتی و قدرت برطرف نمودن همه مشکلات است. اعمال عرفانی که پیرامون یوگای خدایی تعیین شده، ابزارهای سری و باطنی برای رفع نقص‌ها و پیشروی در مسیر اشراق و رستگاری فراهم می‌کنند. به نظر می‌رسد که وادل در تفسیر خود از این سنت یوگای خدایی را درک نکرده و به همین دلیل خدای کاله چکره را یک بودای دیوآسا توصیف نموده است. متن شری کاله چکره تتره معنا و اهمیت باطنی و معنوی خدای کاله چکره را بیشتر شرح داده است (Singh, 2010, 96).

^۱ یوگای خدایی (Deity-yoga) یک عمل و شیوه در تتریسیم بودایی است که شامل یکی شدن با یک خدای برگزیده از طریق تجسم و انجام مناسک است. به نظر محقق تبتی، تسونگ خاپا این عمل یا شیوه است که تتریسیم بودایی را از دیگر مکاتب بودایی متمایز می‌کند. (Power, 2007, 271-72) یوگای خدایی شیوه‌ای برای هر چه بیشتر آگاه شدن از اندیشه‌ها و اعمال یک بودا است، تا زمانی که حالت اشراق و روشن شدگی از طریق تکرار این عمل به دست آید.

با مطالعه و بررسی متون و تفاسیر کاله چکره روشن می‌شود که طریقت کاله چکره را نمی‌توان صرفاً مکتبی بودایی دانست که پرستش بوداهای دیوآسا را معرفی نموده است. حداقل این را نمی‌توان ویژگی اصلی این مکتب دانست. در متون این طریقه آمده که سوچاندرا نزد پروردگار بودا رفت و یوگای کاله چکره را از او طلب کرد که راه رستگاری همه‌ی مردم عصر کالی است. پروردگار پاسخ داد که راز این یوگا برای همگان ناشناخته است. یوگای کاله چکره درواقع آن نظام از یوگااست که به همراه همه‌ی لوازمش از جمله مندرله‌ها و ابهی شیکه‌ها و غیره در درون تن آدمی و جسم بشری شرح شده‌اند. و سپس پروردگار برای سوچاندرا توضیح می‌دهد که چگونه کیهان و همه‌ی اشیاء و اهدافش و مکانهایش در تن آدمی واقع شده‌اند و زمان با همه‌ی گوناگونی (روز و شب، هفته، ماه و سال ...) در جریان دم و بازدم حیاتی آدمی جریان دارد. در این آثار، سهجه کایه شرح داده شده و اعمال یوگای جنسی برای نیل به سهجه نیز تعیین و مقرر شده‌اند. جالب است که در مکتب کاله چکره تأکید خاصی بر عمل کنترل تنفس شده است (Dasgupta, 1950, 76).

اصول وحدانی (غیر ثنوی) فلسفی این مکتب بر این تأکید دارند که در حالی که خدای کاله چکره نشان دهنده‌ی اتحاد و یگانگی شونیتا و کرونا است، از سوی دیگر شکتی‌اش که او را در آغوش کشیده نشان دهنده پراجنا است. این آمیزش سه اصل اساسی تتریسیم منجر به نیروانه و اشراق می‌شود. همان طور که اسم کاله چکره به طور ضمنی اشاره دارد، کاله چکره نشان دهنده‌ی مندرله‌ی کیهانی در شکل چرخ زمان است که سیر تکاملی به سوی سعادت صرف و ابدی را نشان می‌دهد. مندرله‌ی کاله چکره شامل همه‌ی سیارات و ستارگان و نمادهای نجومی است که واقعاً یک تفسیر عرفانی و اسرارآمیز از جهان است. این مندرله سرشار از انرژی کیهانی است و یوگی با تشریف به این مندرله راهش را به سوی رستگاری و مقام اشراق می‌یابد. همه‌ی آنچه که سالک راه کاله چکره انجام می‌دهد؛ مراقبه بر این مندرله و استفاده‌ی آن در طی سفر عرفانی‌اش است. عبور از یک خدا یا نشانه‌ی نجومی و مراقبه بر توانایی آنها، سطوح آگاهی سالک را ارتقا می‌دهد، تا اینکه او در مرکز مندرله در یک اتحاد کیهانی با کاله چکره و شکتی او، یکی می‌شود. پس از دست یافتن به این وجد و خلسه روحانی سالک در وضعیتی معنوی پاک و طاهر آماده‌ی بازگشت به حیات روزانه است (Fic, 2003, 50).

یکی از ویژگی‌های مهم کاله چکره، بیان صریح و روشن از اموری است که در سایر تتره‌ها به صورت ضمنی و تلویحاً مورد اشاره قرار می‌گیرند. از این رو در این سیستم بحث‌های مفصلی درباره‌ی ستاره‌بینی و بسیاری از جنبه‌های درونی تن آدمی، به ویژه کانالهای انرژی و قطرات حیاتی(منی) وجود دارد. برای مثال طرح کاله چکره از بادهای، تغییرات قابل توجه در الگوی تنفس هماهنگ با تغییرات در عبور و گذر اجسام آسمانی است. این امری است که به صورت تجربی قابل اثبات است (Arnold, 2009, 326). بنا به باور این طریقت بودایی معرفت و ادراک انطباق عالم صغیر و عالم کبیر راه رستگاری از چرخه‌ی بازپیدایی است.

همانطور که گفته شد کاله چکره به معنای چرخ زمان است و به یک معنا آن نوعی فلسفه زمان است. در آغاز این متن آمده که هر چیزی در کیهان ریشه در زمان دارد و از آن شکل گرفته است. مفهوم کاله یا زمان در این سیستم مفهومی اساسی و مهم است. در بخش اول کاله چکره تتره که درباره‌ی جهان خارجی است از تقسیم‌بندی جهان به بخش‌های کوچک بحث شده و گفته شده که جهان از کاله پدید آمده است. در عباراتی که از این متن نقل شده آمده است: «به علت زمان، باد و آتش و آب و خاک؛ اقالیم جهان، کوه‌ها و دریاها؛ صورت‌های فلکی، خورشید، ماه، ستارگان و سیارات؛ فرزندگان؛ خدایان، حیوانات؛ انسان‌ها و موجودات جهان اسفل و روی زمین و آسمان‌ها، همگی از هسته و مرکز خلاء پدید آمده‌اند، همانند جوجه‌هایی که از هسته‌ی تخم پدید می‌آیند» (Hammar, 2005, 78-80).

این تقریرات نشان می‌دهد که کاله، نیروی پنهانی است که منشأ جهان است. بنا به ویمله پرابهه نیز کیهان به واسطه‌ی نیروی زمان که در پنج شون یا پنهان است، به وجود آمده است. که آن‌ها نیز در نوبه‌ی خود اصل بادهای دیگر عناصر هستند. چنانکه در برخی مکاتب کاله واده‌ی هندی، کاله به عنوان یک خدا مورد پرستش واقع شده است. در یک سرود آتروه‌ودا درباره‌ی کاله آمده که همه‌ی موجودات عالم چکره‌ها یا چرخ‌های کاله می‌باشند، او هفت چکره دارد. کاله یا زمان اولین خداست که همه‌ی جهان‌ها را خلق نموده است (ibid). شباهت این عقاید با عقاید سنت کاله چکره درباره‌ی اینکه کاله اصل کیهانی است و نیز اهمیت چکره‌ها در این سنت بسیار مهم و قابل توجه است (Wallace, 2001, 93).

کاله چکره تتره را به عنوان یک تتره‌ی غیر ثنوی دسته‌بندی می‌کنند. زیرا آن نه مانند تتره‌های مادر بر جنبه‌ی حکمت عمل متمرکز شده و مانند تتره‌های پدر بر شیوه و راه متمرکز

نشده است، بلکه معرف شیوهی برتری است که این دو جنبه را باهم می‌آمیزد و تعلیمی را ارائه می‌دهد که منجر به درک سعادت بی‌کران و مهاسوکه می‌شود. هدف یوگای کاله چکره علاوه بر تعلیم ذهنی، تبدیل جسم بشری از یک توده مواد فیزیکی به یک شکل متشکل از انرژی‌های نافذ است که وجود مادی را تعالی می‌بخشد. این حالتی است که بوداها به درک آن نایل شده‌اند و سیستم کاله چکره مدعی است که راهی سریع برای درک این حالت و بودا شدن ارائه می‌دهد. تفاوت کاله چکره با دیگر تتره‌ها در این است که آن‌ها به دنبال بهره‌برداری درست یا دخل و تصرف در بادهای حیاتی (دم و بازدم) هستند اما هدف تعلیمات کاله چکره کنار گذاشتن آنها است. در این سیستم مقام بودای کامل و اشراق به عنوان حالتی بدون بادهای حیاتی (دم و بازدم) توصیف شده است، از طریق حذف این‌ها ذهن از تفکر ثنوی گرا رهایی می‌یابد و بر دوگانگی ذهن و عین غالب می‌شود. این متن همچنین شامل دستورالعمل‌هایی راجع به یوگای جنسی است. برخی متون تتره‌ای نشان می‌دهند که تصور و تجسم چنین شیوه‌هایی مؤثر و کافی است. اما کاله چکره انجام این شیوه‌ها را به صورت واقعی و به همراه یک شریک جنسی واقعی با قواعد طبیعی توصیه می‌کند. یوگیان امیدوارند با جلوگیری از انزال قدرت و نیروی معنوی خود را افزایش دهند. این شیوه فرایند یوگا را طولانی می‌کند و موجب تحقق بخشیدن حالت سعادت‌مندی ذهن می‌شود (Powers, 2012, 226-227). طبیعتاً سالکان موفق ماهیت پوچ و خلاء همه‌ی امور را درک می‌کنند و استعداد ذاتیشان برای بودا شدن تحقق می‌یابد.

درواقع اعمال یوگایی در سنت کاله چکره شکلی از قربانی باطنی تلقی می‌شود، که در آن مایعات حیات بخش (منی) که گاهی اوقات سوما نامیده می‌شوند، هدایا و پیشکش‌های باطنی برای خدایان ساکن در جسم بشری هستند. در این آیین قربانی باطنی، کاندالی (آتش معرفت)، آتش تطهیر کننده‌ای است که همه‌ی ناپاکی فرد را می‌زداید. این قربانی باطنی قدرتمندترین و مناسب‌ترین وسیله برای ادراک معنوی است. بنا به اعتقاد این سنت کیهان نیز یک قربانی جهانی و همگانی است که در آن کره‌ی منفی همه‌ی موجودات ذی شعور جهان به کاله آگنی^۱ پاک کننده پیشکش می‌شوند. آتشی که در پایان زمان همه‌ی جهان را می‌سوزاند و خاکستر می‌کند. این‌ها

^۱ Kālāgni به معنی آتش نابود کننده یا آتش مرگ است که نماد پاکسازی، نابودی و از بین بردن موانع به‌منظور دستیابی به حقیقت یا تعالی است.

شبیه قربانی‌هایی ودایی‌اند که منجر به تجزیه‌ی فرد و جهان در کاله چکره (که به عنوان پرجاپتی نیز مورد اشاره قرار می‌گیرد) می‌گردند. بنابراین یوگای کاله‌چکره را می‌توان صورت‌هایی از نمونه اصلی قربانی کاله‌چکره در نظر گرفت (Wallace, 2001, 216). که این موجب ارائه‌ی طرحی برای یافتن منشأ غایی هستی می‌شود.

مراحل سلوک در سنت کاله چکره

در سنت معنوی کاله چکره یکی از مفاهیم بنیادین در بحث از سلوک مساله تشرّف است. تشرّف کاله چکره شامل ورود تازه وارد به مندرله‌ی کاله چکره، تطهیر و کسب اقتدار از سوی خدایان در مندرله و مجموعه‌ای از مراقبه‌ها و خواندن منتره‌ها و اخذ عهود تنتره‌ای است. تشرّف کاله چکره در کل شامل یازده تشرّف است که عبارت‌اند از: هفت تشرّف متوالی - تشرّف آب، تاج، تاج معلق، وجره و ناقوس، تشرّف‌های سلوک، نام و رخصت - و چهار تشرّف برتر، تشرّف‌های ظرف، راز، خرد و معرفت است، این تشرّف‌های متوالی قابل مقایسه به پیشرفت‌های فردی در راه بودایی از یک فرد عامه تا یک بودای کامل است (Wallace, 2001, 8/5058). اما سالک زمانی می‌تواند وارد مرحله‌ی تکمیل شود که علاوه بر چهار تشرّف عالی، چهار تشرّف برتر از آن را نیز به دست آورد. درواقع تشرّف‌های مرحله‌ی تکمیل هشت تشرّف است، شامل؛ دو تشرّف جام یا ظرف؛ دو تشرّف راز؛ دو تشرّف معرفت؛ و تشرّف‌های پایانی مرحله برتر و برتر از برتر یا متعال (Sopa, 1991, 32).

مرحله‌ی تکوین سلوک شامل عمل مراقبه‌ی ادراکی است که در آن شخص به صورت ذهنی مندرله‌ی کاله چکره را با خدایان مختلف‌اش خلق می‌کند و خود را به عنوان خدای کاله چکره ایستاده در مرکز مندرله تصور می‌کند، که وجره و ناقوس را در دست گرفته و ویشه‌ماتا را در آغوش گرفته است. مندرله نشان دهنده‌ی کیهان پاک و تطهیر شده و جسم مادر است تا جایی که خلق ذهنی مندرله و خدایانش با مفهوم فردی، گشودن زهدان مادر و تولد مقایسه شده است. خدایان در مندرله نشان دهنده جنبه‌های پاک چهار جسم بودا یا جنبه‌های تطهیر شده‌ی معرفت فردی، ذهن و کلام و جسم است. مندرله تجسم منتره کاله چکره است. مرحله‌ی تکوین همچنین شامل برخی از اعمال یوگایی جنسی به همراه شریک جنسی واقعی یا خیالی است. هدف این مرحله کسب فضایل و تطهیر بیشتر از طریق تحول معرفت شناختی است.

مرحله‌ی تکمیل شامل مراقبه دربارهِی شکل خلاء به وسیله‌ی عمل یوگای شش مرحله‌ای است. این یوگای شش مرحله‌ی کاله چکره شامل مراحل زیر است: استغفار، مراقبه‌ی مداوم (دیانه) کنترل تنفس یا پرانایامه^۱، ابقا^۲، تفکر و سمدهی است. مرحله‌ی سمدهی به وسیله‌ی تکوین ۲۱۶۰۰ لحظه از سعادت بی‌کران مشخص و توصیف شده است، که از طریق ۶ چکره‌ی جسمانی دنبال می‌شود، که جنبه‌های مادی چهار قطره (انزال) در جسم فردی را حذف می‌کند و تجلیشان را به عنوان چهار جسم بودا تسهیل می‌کند. بنابراین ۲۱۶۰۰ لحظه‌ی سعادت ماهیت مادی و فانی جسم و ذهن فردی به شکل خلاء و معرفت سعادت فناپذیر تبدیل می‌شود که کاله چکره نامیده می‌شود (Powerst, 2012, 228)(Wallace, 2001, 8/5057-8).

در تفکر عرفانی کاله چکره، اعمال مرحله تکوین مشتمل است بر جسم سمبھوگه کایه یا جسم سرور و شادی بودا. گفته می‌شود که سالک مرحله تکوین را زمانی به پایان می‌رساند که بتواند کل مندرله را در ذره‌ای به اندازه یک دانه خردل در نوک بینی‌اش تجسم کند (Sopa, 1991, 32). اما مقصود از اعمال مرحله تکمیل دیگر تولید جسم سرور و شادی بودا نیست، بلکه هدف سالک وصول به دهرمه کایه یا ذات مطلق و نامتناهی بودا است که قادر است سالک را به نجات و رستگاری حقیقی برساند.

نتیجه‌گیری:

۱. سنت معنوی کاله چکره، آخرین مکتب رازآمیز در آیین بودای تَنتریک است.
۲. سنت معنوی کاله چکره به مثابه یک طریق معنوی، یک ابتکار و نوآوری در تبیین آموزه‌های کیهان‌شناختی و تفکر اساطیری است.
۳. سنت معنوی کاله چکره، نظامی از تنجیم و ستاره‌بینی است که عناصر معنوی آن به مقامی متعالی، رشد و ارتقاء یافتند.
۴. در سنت معنوی کاله چکره، معرفت و آگاهی، نقش بنیادین در وصول آدمی به نجات و رستگاری دارد.

^۱ (Pranayama) به معنای کنترل و تنظیم تنفس که برای بهبود تمرکز ذهنی، کاهش استرس و افزایش آرامش به کار می‌رود.

^۲ (Dhāranā) به معنای تمرکز یا توجه کامل به یک نقطه یا موضوع خاص

۵. در سنت معنوی کاله چکره؛ آدی بودا قابل تطبیق است با تنهاگته گربه.

۶. در سنت معنوی کاله چکره مسئله تشرف، نقش اصلی در معرفت‌شناسی سلوک و تفکر سلوکی دارد.

۷. در سنت معنوی کاله چکره، آیین تشرف نقش مهمی در آیین تطهیر و کسب قدرت و تصرف معنوی از سوی خدایان دارد.

۸. در سنت معنوی کاله چکره مرتبه تکمیل و تدوین، هر یک مرتبه‌ای از منازل سلوک به شمار می‌آیند.

۹. در سنت معنوی کاله چکره مقصود از اعمال مرتبه تکمیل، عمل مراقبه‌ای ادراکی است که سالک طریق آن را از طریق ذهن و تمرکز بر مندرله انجام می‌دهد.

۱۰. در سنت کاله چکره مقصود از اعمال مرحله تکمیل، همان تفکر و وصول به مقام دهرمه کایه است که قادر است سالک را به مقام رستگاری حقیقی برساند.

منابع

گراوند، سعید، مفاخری، لیلا (۱۳۹۳)، *راه‌های نیل به نجات (اشراق) در تنتریزم بودایی*، فصلنامه

ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۱۰، شماره ۳۵، ص ۲۵۷ تا ۲۸۳

Arnold, Edward A, (2009), *As Long as Space Endures: Essays on the Kālacakra Tantra in Honor of H.H. the Dalai Lama*, New York: Snow Lion Publications Ithaca

Banerji, S.C, (2007), *Companion to Tantra*, New Delhi: Abhinav Publication

Bhattacharyya, N.N, (2005), *History of the Tantric Religion*, New Delhi: Manohar

Benoytosh, (1985), *the Indian Buddhist Iconography*, Calcutta, Mukhopadhyay

Bowker, John, (1997), *The Oxford Dictionary of World Religions*, New York: Oxford university press

dasgupta, ShashiBhusan, (1950), *An introduction to Tantric Buddhism*, Calcutta: Calcutta university press

Fic, Victor. M, (2003), *The Tantra*, New Delhi: Abhinak Publications

Gyatso, GosheKelsang, (1994), *Tantric Ground and Paths*, London: Tharpa Publications

Hammar, Urban, (2005), *Studies in the Kalacakra Tantra*, Stokholm

Kitagama, Joseph, M, (2002), *The Religious Traditions of Asia Religion, History and Culture*, New York: Routledge

Lamrimpa, Gen. (1999), *Transcending Time: An Explanation of the Kalachakra Six-Session Guruyoga*, Boston: Wisdom Publication

- Lokeswarananda, Swami, (1989), *Studies on the Tantras*, Calcutta: The Ramakrishna Mission Institute of Culture
- Newman, John. (1998), "*Islam in the Kalacakra Tantra*", Journal of the International Association of Buddhist Studies Volume 21, Number 2
- Newman, John. (1988), "*Buddhist Sanskrit in the Kalacakra Tantra*", Journal of the International Association of Buddhist Studies Volume 11, Number 1
- Newman, John. (2003), "*Kalacakra Tantra*", Encyclopedia of Buddhism, Editor in chief, Robert E. Buswell, Jr Eliade, USA: Macmillan Thomson Gale
- Newman, John. (1985), "*A Brief History of the Kalachakra*" In *the Wheel of Time*, Ed By Beth, Simom, Deer Park Books
- Powers, John with David Templeman, (2012), *Historycal Dictionary of Tibet*, USA: Searecrow press
- Powers, John, (2007), *Introduction to Tibetan Buddhism*, New York\Ithaca: Snow Lion Publication
- Singh, Lalan Prasad, (2010), *Buddhist Tantra*, New Delhi: Concept Publishing Company
- Sopa, Geshe, Lhundub.with Roger Jackson, John Newman, (1991), *The Wheel of Time*, the Kalachakra in Context, New York: Snow Lion Publication,
- Waddell, L. Austine, (1895), *Buddhism of Tibet Lamaism*, London: W. H. Allen & Co
- Wallace, Vesna A, (2001), *The Inner Kalacakra Tantra: A Buddhist Tantric View of the Individual*, England: Oxford University press
- Wallace, Vesna A, (2005), "*Kalacakra*", Encyclopedia of Religion, Editor: Thamson Gale, Macmillan, USA